

مبانی هویت

حجت الاسلام سجاد کرمی

پژوهشگر و فعال در عرصه تعلیم و تربیت

در بستر جهان متلاطم کنونی شکل گرفته است، بلکه عمری دیرپا به درازای حیات بشر دارد و آتیۀ آن نیز تا سرمنزل بشر خواهد پایید.

مفهوم شناسی

کلمۀ «هویت»^۱ در لغت به معنای شخصیت، ذات و حقیقت شی است (معین، ۱۳۷۹). در اصطلاح، به هر آنچه فرد را از افرادی متمایز و به افرادی دیگر ملحق می کند، اطلاق می شود. بر این اساس، هویت از یک سو وجه ممیزۀ فرد نسبت به سایرین است و از سوی می تواند وجوه اشتراک او با دیگران را مشخص کند و موجب شناسایی فرد از دیگری و دیگران شود. هویت، نگرش ها، ویژگی ها و روحیاتی است (نجفی، ۱۳۹۲: ۲۶) که ابعاد گوناگون دارد و عوامل متعددی از جمله جنسیت، جغرافیا، تاریخ، ملیت، دین، فرهنگ، آداب و رسوم، و محیط پیرامون در شکل گیری آن نقش دارند. فرد با تکیه بر هویت خود است که می تواند بگوید چه کسی هست و چه کسی نیست و با سایر افراد و گروه ها و تفکرات چه نسبتی دارد؟ در بدو تولد، این وجوه تمایز در بین انسان ها بسیار کم رنگ است و به تمایزات زیستی، جغرافیایی و خانوادگی محدود می شود. با گذشت سال ها، در جریان تأثیرپذیری انسان از محیط اطراف، هویت او نیز ابعاد گوناگون، گستردگی و عمق بیشتری می یابد. هویت جنسیتی، هویت قومی و خانوادگی، آداب و رسوم، هویت تاریخی، هویت ملی و هویت دینی ابعاد گوناگون هویت هستند.

ضرورت و اهمیت

حال پرسش اساسی آن است که مقولۀ هویت چه اهمیتی دارد و چرا باید بدان پرداخت؟ در میان دل مشغولی ها و ساحت های گوناگون زندگی بشر، اساساً موضوع هویت کجا قرار می گیرد و اگر از قلم بیفتد، به قول معروف به کجای انسان برمی خورد؟ آیا بحث از هویت راه، آن هم در فضای تعلیم و تربیت، می توان بحثی ضروری و راهبردی دانست؟ و آیا سخن گفتن از این موضوع برای معلمان دغدغه مند و پرتلاش عرصۀ تعلیم و تربیت راهگشا و پرتوافکن مسیر دشوار آینده خواهد بود یا خیر؟

باید به این نکته توجه کرد که انسان موجودی اجتماعی، متمدن و متکامل است. در

ز کجا آمده ام، آمدنم بهر چه بود؟
به کجا می روم آخر نمایی وطنم
انسان همواره در برابر پرسش هایی قرار دارد که گاهی به سادگی از کنار آن ها عبور می کند و گاهی به غایت ذهن او را به چالش می کشند. این پرسش ها گاهی بدون آنکه پرسشگری در میان باشد، بر اساس تبادر ذهنی فرد، او را به ساعت ها تأمل فرامی خوانند و گاهی در برابر پرسشگران بیرونی، محمل بحث و تبادل نظر می شوند. هر چه باشد، پاسخ به این سؤالات است که هم نمایانگر تمایز یک فرد یا گروه با سایرین است و هم بیانگر وجوه اشتراک فرد یا گروه با دیگران.

اساسی ترین پرسش هایی که همواره فراروی بشر بوده اند و او گریزی از پاسخ به آن ها ندارد، پرسش از «کیستی» و «چیستی» اوست. اینکه به کجا و چه چیزی تعلق دارد؟ اینکه چگونه و بر چه شالوده ای فکر، زیست و حرکت می کند؟ و اینکه چه دورنمایی برای حرکت خود متصور است؟

این پرسش ها و شاید پرسش های دیگر، مؤلفه های اساسی شکل دهنده هویت یک فرد یا گروه یا یک ملت هستند. پیشینه چنین پرسش هایی و پاسخ به آن ها، نه سخنی امروزی است و نه

عکاس: محمدرضا بهرام



اجتماعی بودن، به عنوان یک ضرورت فطری برای انسان، اقتضا می کند که کشتی وجود او به ساحلی از تمایزات و اشتراکات با سایرین پهلو بزند. اگر این تمایزات و اشتراکات مشخص نباشند و به فرد هویتی مشخص ندهند، او مانند غباری در هوا سردرگم است و تحت تأثیر هر تکانه‌ای به تکان و تلاطم می افتد. این هویت است که احساس «خودبودن» به انسان می دهد و عامل تنظیم ارتباطات انسان با «خود»، «خدا»، «جامعه» و «طبیعت» است. اگر هویت نباشد، فرد در نقش آفرینی اجتماعی خود دچار کژکارکردی و گوشه‌گیری می شود. به جای تحرک، در مرداب رکود گرفتار می آید و نمی تواند تصویر روشنی برای حرکت خود در آینده داشته باشد. در این باب، روایتی از امام رضا (علیه السلام) نیز پیرامون اهمیت و ضرورت هویت شایان توجه است: «پنج ویژگی اگر در کسی نباشد، به او امیدی از دنیا و آخرت نیست: ریشه‌ای محکم در وجود خود نشانسد که بدان اعتماد کند، کرمی در سرشت خود نبیند، استحکامی در خوی خویش، نجابتی در ذات خود و ترسی از پروردگار [نداشته باشد]» (خرّانی، ۱۳۹۱: ۷۸۲).

ابعاد هویت

هویت هر انسانی را ابعاد متعددی شکل می دهند. در واقع، هویت فرد برابندی از ابعاد گوناگون هویت است. هویت جنسیتی، هویت قومی، هویت ملی، هویت دینی و هویت تاریخی اضلاع و ابعاد هویت هستند که هر فرد باید نسبت خود با این اضلاع و ابعاد را مشخص کند. برای مثال، احاد جامعه باید در بعد دینی واجد بینش، گرایش، مجموعه‌ای از ارزش‌ها و هنجارها باشند و براساس آن ارزش‌ها و هنجارها عمل کنند. سبک زندگی و فضای زیست آن‌ها متناسب با این هویت و متأثر از آن شکل گرفته باشد و هر آینه، کنشی که از خود بروز می دهند، معرف هویتشان باشد. این موضوع آنجا جذاب‌تر و خطیرتر می شود که فرد باید بین هویت‌های دینی، ملی، جنسیتی و ... خود هماهنگی برقرار کند و برای هم‌راستاکردن آن‌ها با هم بکوشد. این موضوع مهم، ضرورت وجود نهادهای هویت‌بخش را در جامعه ایجاد می کند که در جای خود بدان خواهیم پرداخت.

عناصر هویت‌بخش

با روشن شدن اهمیت هویت، باید پرسید چه عناصری می توانند در فرد و جامعه هویت ایجاد کنند؟ به تعبیر دیگر، هویت دینی، ملی و ... با تکیه بر چه عناصری در فرد شکل می گیرند و تقویت می شوند؟

۱. تاریخ افتخارآمیز

تاریخ هر ملتی هم معرف هویت تاریخی آن ملت است و هم جزو عناصری است که به یک ملت هویت می بخشد. این عنصر در شکل‌گیری هویت ملی و دینی جامعه نقشی اساسی دارد. در این میان، نقاط عطف تاریخی می توانند نقش پررنگ‌تری در ساخت هویت و پرداخت آن داشته باشند. پیروزی‌ها و عوامل آن‌ها، شکست‌ها و عوامل آن‌ها و افتخارات تاریخی، ابعاد این موضوع هستند.

۲. قهرمان‌ها

کسی هرگز نمی تواند منکر نقش بی‌بدیل اسطوره‌ها و قهرمانان در شکل‌دهی به هویت جامعه شود. از این روست که در جوامع گوناگون و به‌خصوص جوامع غربی، برای بازآفرینی یا خلق اسطوره‌ها در عرصه هنری تلاش زیادی می شود و سینمای غرب آکنده از قهرمانان و شبه‌قهرمانان است. قهرمانان به هر ملتی هویت، اعتمادبه‌نفس و انگیزه پیشرفت می دهند.

۳. مظاهر تمدنی

مظاهر تمدنی از جمله معماری و سخت‌افزارهای تمدنی، هم معرف هویت جامعه هستند و هم بخشی از هویت را شکل می دهند. قرارگرفتن در قالب تمدن، به‌مثابه قرارگرفتن در یک کارخانه انسان‌سازی است که در روزمره زندگی، شاکله شخصیتی و هویتی افراد و جوامع را شکل می دهند.

۴. آیین‌ها و مناسک

آیین‌ها و مناسک ملی و دینی و نحوه پرداختن به آن‌ها و بزرگداشتشان، بخشی از ظرفیت عظیم هر جامعه برای پرورش افراد و ایجاد جریان‌های اجتماعی هویت‌ساز است. مثال بارز این مدعا، آیین‌هایی مثل عزاداری محرم، آیین نوروز و یلداست که به جامعه شاکله و هویت می دهند و ابعاد گوناگونی از شخصیت اجتماعی افراد را مهندسی می کنند.

۵. ارزش‌های مسلط بر جامعه

اینکه یک فرد چگونه بیندیشد و چگونه زندگی کند، تا حد زیادی متأثر از ارزش‌های مسلط بر جامعه‌ای است که در آن زندگی می کند. روح جمعی یا تکروی، روحیه جهادی یا تبلی و سستی، نوع دوستی یا بی‌مبالاتی نسبت به جامعه و ... همه ارزش‌هایی هستند که وجود یا نبود آن‌ها در جامعه به شکل‌گیری هویت‌های متفاوت و متضاد منجر می شود.

علاوه بر این موارد، مصادق‌های فراوان دیگری از جمله شغل و تحصیلات نیز می توانند به‌عنوان عناصر هویت‌بخش مطرح شوند که برای رعایت اختصار، از ذکر و تفصیل آن‌ها خودداری می کنیم.

در شماره‌های آینده درباره نقش مدرسه و معلم در هویت‌بخشی به دانش‌آموزان بیشتر سخن خواهیم گفت.

پی‌نوشت

1. Identity

منابع

۱. معین، محمد (۱۳۷۹). فرهنگ فارسی. ج ۴. مدخل «ه». امیرکبیر. تهران.
۲. نجفی، موسی (۱۳۹۲). هویت‌شناسی. آرما. تهران.
۳. خرّانی، ابومحمد الحسن (۱۳۹۱). تحف العقول. ترجمه حمیده مروتی. انتشارات طلّیعه سبز. قم.